

## جاهلیت از منظر آیات و روایات

سید کبیر حسینی\*

### چکیده

قرآن جاهلیت را در موضوعات پندار، حکم، رفتار و حمیت بکار برده است و نموده‌های مختلفی از رفتارهای جاهلی را نیز به تصویر کشیده که زنده‌به‌گور کردن دختران، کشتن فرزندان از بیم فقر، زنا و ربا و ... از جمله آن‌ها است. در این میان روایات در همان چهارچوب قرآنی مصادیق دیگری از جهل و جاهلیت را نیز مطرح می‌نماید که صفات و ویژگی‌های پست اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و غیرانسانی از جمله آن‌هاست و رسالت پیامبر ﷺ دوی آن دردها دانسته شده است. همچنین از انکار و نشناختن امام زمان □ و پیشوای برحق، کینه و دشمنی با علی علیه السلام و به‌طور کلی رویگردانی از اهل بیت پیامبر علیهم السلام به‌عنوان دیگر مصادیق جاهلیت یاد شده است. از روایات برمی‌آید که دوی درد جاهلیت مراجعه به تعالیم و آموزه‌های نبوی صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آن بزرگوار است.

**کلیدواژه‌ها:** جهالت، جاهلیت، حمیت، رفتارهای جاهلی، جاهلیت در حکم و تشریح.

---

\*دانش‌پژوه دکترای تفسیر تطبیقی، جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیة- مجتمع آموزش

عالی مشهد مقدس.

Email: skhosaini@gmail.com



موضوع جهل و جاهلیت در آیات نورانی قرآنی کریم و روایات روشنی‌بخش پیامبر ﷺ و دیگر پیشوایان دینی به‌خوبی انعکاس یافته و تبیین گردیده است. در پرتو آیات و روایات مقالات و نوشته‌هایی در این خصوص با عناوین جاهلیت در قرآن و تاریخ نوشته علی‌گودرزی؛ جاهلیت مدرن نوشته اسماعیل شفیعی سروستانی، جاهلیت مدرن و راه‌هایی از آن نوشته امید درویشی و... به رشته تحریر در آمده است؛ اما در تناسب با موضوع این نوشتار که جاهلیت در آیات و روایات است، کاری انجام نشده یا نگارنده به آن دست نیافته است. برای رسیدن به این هدف باید بار معنایی جهل و جاهلیت را مشخص ساخت و مفهوم آن‌ها را روشن نمود. مصادیق و نمونه‌های عینی آن‌ها را مشخص و روشن ساخت؛ و از جمله باید روشن نمود: چه ارتباطی میان موضوع جاهلیت در قرآن و همین موضوع در روایات وجود دارد؟ نوشته حاضر واژه جهل و جاهلیت را در لغت و اصطلاح و آیات و روایات بررسی و مراد از آن را کاویده و برخی از مصادیق و نمونه‌های عینی آن را مشخص ساخته است. نویسنده در این نوشتار از قرآن کریم، کتاب‌های روایی اهل سنت و تشیع و مقالات معتبر و مرتبط با موضوع، بهره گرفته و ارتباط میان بحث جهل و جاهلیت در قرآن و روایات را روشن نموده است. به امید اینکه نتیجه این بحث بتواند به شناسایی بیشتر مصادیق جهل و جاهلیت در زمان حاضر بینجامد و منجر به از بین بردن آن‌ها و به نوبه خود موجب جهالت زدایی از جامعه گردد.

## ۱. مفهوم شناسی

### الف. جهل در لغت

جهل در لغت نقیض و خلاف علم (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ۳: ۳۹۰؛ راغب، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۲۰۹) همچنین به معنای حماقت و بی‌خردی و خیره‌سری که عکس مجامله به معنای خوش‌رفتاری و نرم‌خویی است، ذکر شده است. (مهیار، بی‌تا: ۲۸۷) از دیگر معانی جهل سفاقت و بی‌اعتنایی، (قرشی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۸۰) اعتقاد غلط و غیرواقع، (راغب، ۱۴۱۲ ق، ۱:

۲۰۹) اعمال غلط چه با اعتقاد صحیح و یا فاسد (راغب، ۱۴۱۲ ق، ۱: ۲۰۹) و به معنای سبکی که خلاف طمأنینه و آرامش (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۲: ۱۳۱) است. برخی معتقدند اصل واحد در این ماده همان مخالف بودن با علم و نبود علم است که این فقدان علم یا نسبت به معارف الهی است یا علوم ظاهری یا نسبت به تکالیف شخصی و هر کدام از آن‌ها یا در موضوع کلی یا جزئی است و جهل ملازمت با اضطراب دارد، همان‌گونه که علم و یقین با طمأنینه و آرامش ملازم‌اند. (همان)

## ب. جاهلیت در اصطلاح

از «ابن خالویه» نقل شده است که «جاهلیت» از مستحدثات اسلام است و به زمان قبل از بعثت گفته می‌شود. عسقلانی نیز در شرح بر صحیح بخاری این معنا را غالب شمرده است. (لغت‌نامه دهخدا، «ماده جاهلیت») از معاصران نیز برخی گفته‌اند با ظهور اسلام، اصطلاح جاهلیت مطرح شد. (جوادی علی، بی‌تا: ۲۷) از اشعار به‌جای مانده از دوران جاهلیت برمی‌آید که مردم آن عصر، از این‌که خود را جاهل و خیره‌سر و اهل شرارت و جاهل بنامند، هیچ باکی نداشتند. (الزوزنی، بی‌تا: ۳۵)

یکی از معانی جهل، در برابر حلم و بردباری است. حلم عبارت است از بردباری و اطمینان نفس به‌طوری‌که خشم، به‌آسانی انسان را تحریک نکند و سختی‌ها به‌سرعت او را مضطرب نگرداند. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۶: ۱۶۳) به تعبیر دیگر، حلم ملکه‌ای است که به‌واسطه آن برای نفس طمأنینه حاصل می‌شود. (خمینی، ۱۳۸۱: ۳۶۶) این معنا بامعنای لغوی سبکی که خلاف طمأنینه و آرامش است تناسب دارد. از دیگر معانی جهل، در برابر علم است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵: ۳۴۵) که مقصود کلی از آن همان دانش و دانستن است که گاهی به معنای اظهار کردن و روشن کردن نیز بکار می‌رود، (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۳۲) در این صورت جهل همان بی‌دانشی و نادانی و تاریکی است.

بر اساس حدیثی از امام سجاد (علیه السلام) عصبیت مذموم جاهلی به این معناست که شخص، افراد شرور قوم خود را بهتر از افراد نیک قوم دیگر بداند و به آنان در اعمال ظالمانه کمک کند: الْعَصَبِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُّ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا أَنْ يَرَى الرَّجُلَ شَرَّارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمِ آخِرِينَ وَ لَيْسَ



مِنَ الْعَصِيَّةِ أَنْ يُحِبُّ الرَّجُلُ قَوْمَهُ وَ لَكِنَّ مِنَ الْعَصِيَّةِ أَنْ يُعَيِّنَ قَوْمَهُ عَلَى الظُّلْمِ. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۳۰۸)

وجه جامع تعریف جاهلیت به تعبیر رهبر معظم انقلاب همان «حاکمیت شهوت و غضب» است که با نبود بردباری و دانش در وجود انسان جای می‌گیرد:

جاهلیت به معنای وسیع، عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی؛ این می‌شود جاهلیت. جاهلیت یعنی جوامع انسانی، تحت تأثیر تمایلات شهوانی و غضبی عمدتاً فرمانروایان خود، به شکلی دربیاید که فضائل در آن گم بشود و رذایل حاکم بشود؛ این می‌شود جاهلیت. (tasnimnews.com)

ایشان «شهوت» و «غضب» را دو عنصر اصلی جاهلیت دوران قبل از اسلام دانستند و با اشاره به بازتولید جاهلیت دوران قبل از اسلام در عصر کنونی، بر همان دو پایه «شهوت» و «غضب»، افزودند:

امروز نیز شاهد شهوت‌رانی بی‌منطق و بی‌مهاری و قساوت و کشتار بی‌حدومرز هستیم، با این تفاوت که جاهلیت کنونی متأسفانه مجهز به سلاح علم و دانش شده و بسیار خطرناک‌تر است. (همان)

## ۲. جاهلیت در قرآن

واژه «جاهلیت» چهار بار در سوره‌های مدنی قرآن، با تعبیر «ظُلْمَ الْجَاهِلِيَّةِ» (آل‌عمران/۱۵۴)، «حُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ» (مائده/۵۰)، «تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ» (احزاب/۳۳) و «حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ» (فتح/۲۶) به‌کاررفته و در هر چهار مورد همراه با ملامت و مذمت بوده و در هر بار دارای مصداق جدیدی است. این لحن ملامت‌آمیز همچنین در پاره‌ای دیگر از آیات که مشتقات دیگر جهل، نظیر «جَهْلُونَ» (نمل/۵۵)، «جَاهِلُونَ» (فرقان/۶۳) و «جَاهِلِينَ» (بقره/۶۷)؛ اعراف/۱۹۹) در آن‌ها آمده، دیده می‌شود. (دانشنامه جهان اسلام، واژه جاهلیت: rch.ac.ir)

## الف. جاهلیت در پندار

جاهلیت در سوره آل‌عمران آیه ۱۵۴ به معنای جاهلیت در پندار و سوء اعتقاد آمده است:

﴿يَطُوتُونَ بِاللَّهِ عِزَّ الْحَقِّ، ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ...﴾ (آل عمران / ۱۵۴) «آن‌ها گمان‌های نادرستی در

باره خداهمچون گمانهای دوران جاهلیت داشتند.»

در این آیه، شکست در جنگ احد و کشته‌های بسیار در آن، از طرف عده‌ای نشانه بر حق نبودن مسلمانان و آیین اسلام دانسته شده است. همچنین گمانه‌ای نادرست درباره خداوند سبحان مانند دروغ بودن وعده‌های پیامبر ﷺ پنداری جاهلانه دانسته شده است؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۳۳) بنابراین، کسانی که به این پندار، خود را به دین چسبانیده‌اند که دین همواره غالب است و هیچ‌گاه مغلوب واقع نمی‌شود، این پندار، جاهلانه دانسته شده و چنین مردمانی در حقیقت نمی‌خواستند به دین خدا خدمت کنند؛ بلکه می‌خواستند، از پستان دین بدوشند تا چندی که برایشان استفاده داشته باشد، از آن دم بزنند؛ ولی هر وقت وضع برگشت و به هدف‌های خود نرسیدند، به عقب برگردند و سیر قهقرایی را پیش گیرند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۶ به بعد) همین مضمون در حدیثی از امام حسین علیه السلام چنین نقل شده آمده است:

إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوتُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا حُضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ... (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۴۵) «همانا مردم بندگان دنیا هستند و دین لقلقه زبان آن‌ها است. حمایت آن‌ها از دین تا زمانی است که زندگی آن‌ها در رفاه باشد و آنگاه که در بوته امتحان قرار گرفتند دین‌داران کم می‌شوند.»

همچنین این اعتقاد که پیامبر ﷺ کشته نمی‌شود و نمی‌میرد، نیز ظنی جاهلی دانسته شده و درباره خداوند متعال ظنی غیر حق شمرده شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۴۶ به بعد) از جمله نتایجی که از آیه ۱۵۴ سوره آل عمران می‌توان گرفت این است که در بند خود بودن، مایه بدگمانی به وعده‌های الهی است؛ پس در تمام شرایط بحرانی و شکست‌ها نیز به خدا و وعده‌های او نباید سوءظن برد و بدگمان شد؛ چراکه سوءظن به وعده‌های خدا، ناروا و بی‌اساس و از عقاید جاهلیت است. همچنین این پندار که مسلمانان حتی در صورت سستی و اختلاف و نافرمانی نباید شکست بخورند، پنداری جاهلانه است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۳۱)

## ب. جاهلیت در حکم

جاهلیت در سوره مائده آیه ۵۰ به معنای جاهلیت در حکم و تشریح آمده است:

﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَنْعُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (مائده/۵۰) «آیا آنان

حکم جاهلیت را می‌طلبند؟ برای اهل ایمان و یقین، داوری چه کسی از خدا بهتر است؟»  
 آیه ناظر به بعضی از احکام تبعیض‌آمیز میان یهودیان است؛ زیرا در میان طوایف یهود تبعیضات عجیبی بود؛ مثلاً اگر کسی از طایفه «بنی قریظه» فردی از «طایفه بنی نضیر» را به قتل می‌رساند، قصاص می‌شد. در صورت عکس، قصاص نمی‌کردند و یا به هنگام گرفتن دیه دو برابر دیه می‌گرفتند. قرآن می‌گوید این گونه تبعیضات نشانه احکام جاهلیت است و در میان احکام الهی هیچ‌گونه تبعیض در میان بندگان خدا نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۴۰۷) امام جعفر صادق علیه السلام بعد از تقسیم قاضیان به چهار گروه و بهشتی دانستن یک طایفه از آن‌ها و جهنمی دانستن سه گروه دیگر می‌فرماید:

الْحُكْمُ حُكْمَانِ حُكْمُ اللَّهِ وَ حُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ فَمَنْ أخطأ حُكْمَ اللَّهِ حَكَمَ بِحُكْمِ الْجَاهِلِيَّةِ.

(کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷: ۴۰۷) «حکم دو گونه بیشتر نیست یا حکم خدا است یا حکم جاهلیت و هر کس حکم خدا را رها کند به حکم جاهلیت تن در داده است.»

بنابراین، مسلمانانی که با داشتن احکام آسمانی به دنبال قوانین ساختگی ملل دیگری افتاده‌اند، در حقیقت در مسیر جاهلیت گام نهاده‌اند؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۴۰۷) زیرا هیچ‌احدی نیست که حکمش بهتر از حکم خدا باشد و معلوم است که هر حکمی به خاطر خوبی‌اش پیروی می‌شود و گرنه هیچ عاقلی حاضر نیست خود را محکوم به حکم غیر خود کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۵۶) بنابراین می‌توان گفت احکام و قوانین الهی کامل‌ترین و بهترین قوانین برای بشر است؛ زیرا خداوند قانون‌گذاری است که:

۱. از تمام اسرار هستی و انسان، در حال و آینده آگاه است.

۲. هیچ هدف انتفاعی در تدوین قانون ندارد.

۳. هیچ لغزش عمدی و سهوی ندارد.

۴. از هیچ قدرتی نمی‌ترسد.

۵. خیرخواه همه بندگان خود است.

در مقابل، هر قانون بشری که خلاف حکم خدا باشد، جاهلانه است؛ زیرا این قانون‌ها غالباً بر اساس هوا و هوس، ترس، طمع، جهل، خطا، خیال و محدودیت علمی وضع شده است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۳۵۶)

### ج. جاهلیت در رفتار

واژه جاهلیت در آیه ۳۳ سوره احزاب به معنای جاهلیت در تبرُّج و رفتار آمده است. این آیه در ظاهر خطاب به همسران پیامبر ولی در حقیقت به همه زنان مسلمان است و به آن‌ها دستور می‌دهد:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب/۳۳) «و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید»

«تبرج» به معنی آشکار شدن در برابر مردم است و از ماده «برج» گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است؛ اما اینکه منظور از جاهلیت اولی چیست؟ ظاهراً همان جاهلیتی است که مقارن عصر پیامبر ﷺ بوده و به‌طوری‌که در تاریخ آمده است که در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند و دنباله روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند، به‌طوری‌که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها نمایان بود. به این ترتیب قرآن همسران پیامبر ﷺ را از این‌گونه اعمال باز می‌دارد.

بدون شک این یک حکم عام است و تکیه آیات بر زنان پیامبر ﷺ به‌عنوان تأکید بیشتر است. به‌رحال این تعبیر نشان می‌دهد که جاهلیت دیگری همچون جاهلیت عرب در پیش است که ما امروز در عصر خود آثار این پیشگویی قرآن در دنیای متمدن مادی را می‌بینیم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۲۹۱) در حدیث نیز آمده است: «سَيَكُونُ جَاهِلِيَّةٌ أُخْرَى...» (قمی، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳/۲) «به‌زودی جاهلیت دیگری فرا می‌رسد.» به نظر می‌رسد، جاهلیت دیگر همین اعمال جاهلانه زمان ماست که به‌مراتب ددمنشانه‌تر و فجیع‌تر از جاهلیت آن زمان است. اگر در جاهلیت آن روز دختر را زنده‌به‌گور می‌کردند، امروز با سقط‌جنین، هم دختر و هم پسر را نابود می‌کنند. اگر در جاهلیت آن روز قتل و آدم‌کشی

وجود داشت، امروز در جنگ‌های بزرگ و جهانی کشتارهای میلیونی انجام می‌گیرد. جاهلیت آن روز مدرسه نبود و جنایت انجام می‌گرفت، امروز باوجود هزاران دانشگاه، مهم‌ترین حقوق انسان‌ها پایمال می‌شود. در جاهلیت آن روز فساد و زنا جرم بود؛ اما امروز در متمدنی‌ترین کشورهای جهان هم جنس‌بازی قانونی است. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷: ۳۶۰)

#### د. جاهلیت در حمیت

جاهلیت در آیه ۲۶ سوره فتح به معنای جاهلیت در حمیت و ارتباط و انتساب آمده است: ﴿اذْجَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ﴾ (فتح/۲۶) «[یاد کن] هنگامی را که کافران [پس از قرارداد صلح حدیبیه] دل‌هایشان را از تعصب و خشم شدید جاهلی آکنده کردند.»

«حمیت» در اصل از ماده «حمی» به معنی حرارتی است که از آتش یا خورشید یا بدن انسان و مانند آن به وجود می‌آید. به همین دلیل به حالت «تب» «حمی» (بر وزن کبر) گفته می‌شود و به حالت خشم و همچنین نخوت و تعصب خشم‌آلود نیز «حمیت» می‌گویند. عرب از نیروی غضب وقتی فوران کند و شدت یابد تعبیر به «حمیت» می‌کند، می‌گوید: «حمیت علی فلان» یعنی علیه فلانی سخت خشم کردم. «حمیه» یعنی دفاع متعصبانه از خود، ستیزه‌جویی و ننگ و عار داشتن از چیزی، بی‌زاری و دل‌تنگی و خودبزرگ‌بینی (راغب و مصطفوی ذیل واژه حمی).

این آیه نخوت و خشم جاهلیت را از مهم‌ترین عوامل بازدارنده کفار از ایمان به خدا و پیامبر ﷺ و تسلیم در مقابل حق و عدالت می‌داند. این حالتی است که بر اثر جهل و کوتاهی فکر و انحطاط فرهنگی مخصوصاً در میان اقوام جاهلی فراوان است و سرچشمه بسیاری از جنگ‌ها و خونریزی‌های آن‌ها می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۹۵)

آیه همچنین با تکرار «الَّذِينَ كَفَرُوا» به علت حمیت اشاره می‌نماید که همان کفر است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۲۸۹) از این جهت خداوند تعصب بر اساس جهالت را نکوهش و مذمت می‌کند و با فرهنگ جاهلیت به هر نوعی که باشد مبارزه می‌کند؛ (قرائتی، ۱۳۸۸، ج



۹: (۱۴۱) بنابراین، جاهلیت گاه در افکار و عقاید و تصورات و زیربناهای فکری نمود خواهد داشت؛ گاه در تشکیلات و تشریحات و قوانین؛ گاه در عادات و سنت‌های اجتماعی و در پوشش و لباس و در روابط بین زن و مرد؛ گاه در دوستی‌ها و وابستگی‌ها و پیوندهای سیاسی، اقلیمی، ملی، قومی، حزبی و تشکیلاتی نمود خواهد داشت. در سوره آل‌عمران آنگاه که درباره «ظَنِّ جاهلی» باطلی که منافقان بر آن بودند، ایجاد تنفر می‌کند، «یقین ایمانی» عظیم را که رسول اکرم ﷺ و اصحابش در میدان احد بر آن بودند، عرضه می‌دارد. در سوره مائده آنگاه که در باب «حکم جاهلی» یهود و نصاری به مسلمانان هشدار می‌دهد، جایگزین بزرگی را مطرح می‌کند که همان «حکم الله» باشد. در سوره احزاب که زنان مؤمن را از «تبرج جاهلیت اولی» نهی می‌کند، آنان را به استقرار در منازل و اقامه نماز و ادای زکات و فرمان‌بری از خدا و رسول ﷺ دعوت می‌فرماید؛ آنگاه که در سوره فتح، کفار قریش را به سبب «حمیت جاهلیت» آنان سرزنش می‌کند، صحابه را به واسطه ثبات و آرامشی که بدیشان نازل فرمود و به واسطه همراهی آنان با تقوای الهی، مدح می‌فرماید.

## ۵. دیگر نمودهای جاهلی در قرآن

از معروف‌ترین رسوم زشت اعراب جاهلی، زنده‌به‌گور کردن دختران در بعضی از قبایل بود که قرآن در سوره نحل آیه ۵۸ و ۵۹ به آن اشاره می‌فرماید:

﴿وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ - يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيَسْكُكُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾؛ (نحل / ۵۸ و ۵۹) «و چون یکی از آنان را به [ولادت] دختر مژده دهند [از شدت خشم] چهره‌اش سیاه گردد، و درونش از غصه و اندوه لبریز و آکنده شود! به سبب مژده بدی که به او داده‌اند، از قوم و قبیله‌اش [در جایی که او را نینند] پنهان می‌شود [و نسبت به این پیش‌آمد در اندیشه‌ای سخت فرو می‌رود که] آیا آن دختر را با خواری نگه دارد یا به زور، زنده‌به‌گورش کند؟! آگاه باشید! [نسبت به دختران] بد داوری می‌کنند.»

در زمینه زنده‌به‌گور کردن دختران، وقایع وحشتناکی در جامعه عرب قبل از اسلام رخ داده که در تواریخ به تفصیل آمده است. (سبحانی، ۱۳۸۳: ۴۵) علاوه بر اینها، در قرآن از



برخی آداب و رسوم و اعتقادات و اعمال عرب جاهلی انتقاد شده است. پاره‌ای از مظاهر شاخص جاهلیت که در قرآن به آن‌ها تصریح یا اشاره شده، عبارت‌اند از:

- شرک، نیکی نکردن به والدین، کشتن فرزندان از بیم فقر. (انعام / ۱۵۱)
- زنا. (اسراء/ ۳۲)
- واداشتن کنیزان به زنا. (نور / ۳۳)
- میگساری. (بقره / ۲۱۹؛ مائده / ۹۰ - ۹۱)
- رباخواری. (بقره / ۲۷۵ - ۲۷۶)
- تحقیر زن. (نحل / ۵۸ - ۵۹)
- قمار. (میسیر) آلام (مائده / ۹۰)
- مقدّس دانستن برخی حیوانات نظیر بحیره. (مائده / ۱۰۳) (ویکی شیعه: [f.a.wiki.shi.a.net](http://www.f.a.wiki.shi.a.net)؛ دانشنامه جهان اسلام، واژه جاهلیت: [f.a.wiki.shi.a.net](http://www.f.a.wiki.shi.a.net) (rch. ac. i r

### ۳. جاهلیت در روایات

#### الف. نشانه‌های جاهلیت در روایات

##### یکم. صفات و ویژگی‌های پست اخلاقی

در احادیث اوصاف گوناگونی درباره جاهلیت و مصادیق آن آمده است؛ چنانکه رسول اکرم ﷺ این اخلاق و رفتارها را از جمله اخلاق جاهلی دانسته‌اند:

آزار و اذیت معاشران و ملامت و سرزنش آنان، منت‌گذاری هنگام بخشش، ناسپاسی در برابر خوبی‌ها و نیکی‌های دیگران، خیانت در راز، اتهام به افشای راز، طغیان و قساوت قلب هنگام احساس بی‌نیازی، انکار نعمت‌های الهی، ناپرهیزی از گناه هنگام فقر، اسراف و زیاده‌روی هنگام خوشحالی، یأس هنگام غمگینی، قهقهه هنگام خنده، گریه از روی خواری و ذلت، دوست‌نداشتن خداوند و مراعات نکردن ذات الهی هنگام گفتار و رفتار، بی‌شرمی و بی‌حیایی در برابر خدا، غفلت از خدا و یاد او، چاپلوسی و تملق هنگام رضایت از افراد، از یاد

بردن خوبی‌ها و نیکی‌های افراد هنگام خشم و غضب و نسبت دادن بدی‌هایی را که وجود ندارد به آن‌ها از جمله رفتارها و اخلاق جاهلی است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱: ۱۱۷-۱۱۹؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۸)

همچنین ظلم و ستم در حق معاشران، پایمال کردن حقوق زیردستان، اثبات برتری از راه مبارزه با افراد مافوق خود، سخن گفتن بدون تفکر و سکوت بیجا و بی‌مورد، رفتن به دنبال فتنه و آشوب، رویگردانی از فضایل، نترسیدن از گناه گذشته و آینده، کوتاهی در انجام نیکی‌ها و نگران نبودن از نیکی‌های انجام نداده را از جمله نشانه‌های جاهل دانسته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۱: ۱۲۹؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۲۹)

همچنین آن حضرت داشتن غرور علمی را نشانه جهل ذکر می‌کنند. (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۴۲) در پاره‌ای از احادیث، برخی اعمال و رفتارهایی که مسلمانان انجام می‌دادند، مصداق فرهنگ جاهلی شمرده شده است. مثلاً در احادیث آمده که نوشنده شراب، نمازش تا چهل روز پذیرفته نیست و اگر در این چهل روز از دنیا برود، به مرگ جاهلی مرده است؛ (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۱/۹ - ۱۰۶ - ۱۰۷؛ هیشمی، ۱۴۰۸، ج ۵: ۷۲) همچنین مُردن بدون وصیت (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۸۲) مالیدن خون عقیقه به سر نوزاد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۹) و خوردن غذا نزد مصیبت‌زدگان (رجوع کنید به همو، ۱/ ۱۸۲) نیز از جمله مصادیق فرهنگ جاهلی دانسته شده است. (دانشنامه جهان اسلام، واژه جاهلیت: rch.ac.ir)

پیامبر بزرگوار ﷺ و دیگر پیشوایان دینی در این بیانات خود به صفات و سجایای مذموم اخلاقی در زمینه‌های فردی و اجتماعی دوران جاهلیت اشاره می‌کنند و برخی از مصادیق جاهلیت را بیان می‌نمایند.

## دوم. اعتقادات غلط و ناروا و نابسامانی‌های اجتماعی و اعتقادی

از برخی خطبه‌های حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه (خطبه ۲، ۲۶، ۹۵) چنین برمی‌آید که عرب دوره جاهلیت، علاوه بر ناگوار بودن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌هایشان، اعتقادات دینی صحیح و ارتباطات خویشاوندی و اجتماعی مناسب و درمجموع زندگی فردی و اجتماعی بسامانی نداشتند. (دانشنامه جهان اسلام، واژه جاهلیت: rch.ac.ir)



همچنین امیر مؤمنان علی علیه السلام گرفتاری در فتنه‌ها، چیرگی هوا و هوس، خودبزرگ‌بینی و تکبر، نادانی و جهل، حیرانی و سرگردانی (سید رضی، ۱۴۱۴: ق: ۱۴۰) و ناپایداری ستون‌های ایمان و یقین، پاره شدن رشته‌های دین، اختلاف در اصول دین، پراکندگی مردم، دشواری راه‌رهایی و نبود پناهگاه، بی‌نوری چراغ هدایت، کوردلی همگان، معصیت شدن خداوند، یاری شدن شیطان و اطاعت از وی، بی‌یاوری ایمان، وجود فتنه‌های بسیار، بت‌پرستی در کنار خانه خدا، خواری دانشمند و تکریم نادان را از جمله نشانه‌های جهالت آن دوران ذکر می‌کنند. (همان، ص ۴۶)

امام علی علیه السلام در این خطبه‌ها به اوضاع و احوال زمان بعثت می‌پردازد که عموماً در کنار بسیاری از صفات نامطلوب و مذموم فردی و اجتماعی به اوضاع نابسامان و آشفته آن زمان اشاره می‌فرمایند که علت‌العلل همه آن‌ها خلأ وحی و گسسته شدن ارتباط انسان با خدای خود بوده است.

### سوم. انکار و نشناختن امام زمان و پیشوای برحق

از دیگر ویژگی‌های جاهلیت در روایات، انکار و نشناختن امام زمان  و پیشوای برحق زمانه است. اگر کسی امام زمان  خود را نشناسد و نتواند با امام زمان  خویش پیوند و رابطه داشته باشد، به جاهلیت مبتلا می‌شود و زندگی جاهلان‌ه‌ای دارد که طبعاً مرگ او نیز مرگ جاهلی است. چرا که ثمره و میوه زندگی جاهلان‌ه، مرگ جاهلی است. به همین خاطر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، مرگش مرگ جاهلیت است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۳۱)

همچنین امام صادق علیه السلام از جدشان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ  مِنْ وَوَلَدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» هر کس قائم  از فرزندان مرا انکار نماید، به مرگ جاهلیت مرده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۷۳)

## چهارم. کینه و دشمنی با علی علیه السلام

از دیگر نشانه‌های جاهلیت در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله کینه و دشمنی با علی علیه السلام دانسته شده است. انس ابن مالک می‌گوید: «نَظَرَ النَّبِيُّ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مَنْ أَبْغَضَكَ أَمَاتَهُ اللَّهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام نگاه کرد و فرمودند: ای علی علیه السلام هر کس با کینه نسبت به تو بمیرد به مرگ جاهلیت مرده است. (الأمالی، ۱۴۱۳ ق: ۷۵)

## پنجم. تعصب نابجا

همچنین بنا به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله کمترین تعصب نابجا و کورکورانه موجب برانگیخته شدن در قیامت با اعراب جاهلیت می‌شود. امام صادق علیه السلام از جد گرامی‌شان رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصَبِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ؛ «هر کس در دلش به اندازه دانه‌ای خردل، تعصب کورکورانه و نابجا باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت برمی‌انگیزد.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۳۰۸)

## ۶. رویگردانی از اهل بیت علیهم السلام

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به‌صراحت خطاب به مهاجرین و انصار رویگردانی از اهل بیت علیهم السلام را بازگشت به جاهلیت می‌دانند و می‌فرمایند:  
... وَ مَنْ ارْتَدَّ عَنَّا فَإِلَى الْجَاهِلِيَّةِ؛ «...و هر کس از ما روی بگرداند به جاهلیت بازگشته است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۹: ۱۹۷)

## ب. مبارزه با جاهلیت در روایات

### یکم. از طریق ستایش دانایی و نکوهش نادانی

جهل و نادانی از دغدغه‌های پیشوایان دینی و از جمله رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله بوده است؛ از این رو با این پدیده مبارزه می‌کردند. مبارزه گاهی به شکل مدح و ستایش علم و آگاهی و

گاهی مذمت جهالت و نادانی بوده است. همان گونه از آن بزرگوار در این خصوص نقل شده که درباره حاکم شدن جهل و پیامدهای نامطلوب آن این گونه هشدار می‌دهند:

يكون بين يدي الساعة أيام فيرفع فيها العلم و ينزل فيها الجهل و يكثر فيها الهرج؛ (سقوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۶: ۵۱) «روزگاری خواهد آمد که علم از بین مردم می‌رود، جهل نازل می‌شود و ناامنی و هرج و مرج حکم فرما می‌شود.»

همچنین و در خصوص ارزشمندی علم و آگاهی و ناکارآمدی جهل می‌فرماید:

إِنَّ الْعِلْمَ يَنْفَعُ مَعَهُ قَلِيلَ الْعَمَلِ وَإِنَّ الْجَهْلَ لَا يَنْفَعُ مَعَهُ كَثِيرَ الْعَمَلِ؛ (عطائی، ۱۳۶۹: ۱۷۸؛ پاینده، ۱۳۸۲: ۲۲۸ و ۶۰۱؛ آشتیانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۵) «به راستی که علم به تو نفع می‌رساند؛ هرچند عملت اندک و کم باشد، جهل نفعی به تو ندارد؛ هرچند عملت زیاد و فراوان باشد.»

در مذمت جهل و ستایش دانایی و تشویق به علم‌آموزی نیز فرمودند:

قلب ليس فيه شيء من الحكمة كبيت خرب فتعلموا و علموا و تفقهوا و لا تموتوا جهلاً فإنَّ الله لا يعذر على الجهل؛ (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۰۰) «قلبی که حکمت وارد آن نشده است مانند خانه مخروبه است، پس آموزش بدهید و بیاموزید و اندیشمند شوید، جاهل نمیرید که خداوند عذر جهل را نمی‌پذیرد.»

آن بزرگوار به علم و آگاهی چنان ارزشی قائل شدند که خواب با علم را بهتر از نماز با جهل دانسته‌اند:

«وَقَالَ ص تَوْمٌ مَعَ عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ مَعَ جَهْلٍ.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۱۸۰)

و در بیانی بیدارکننده دیگر می‌فرماید:

مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي إِلَّا ثَلَاثًا، الْجَهْلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ وَ شَهَوَاتِ الْعَيْنِ مِنَ الْبَطْنِ وَ الْفُرْجِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۸: ۲۷۳) «از هیچ چیزی بعد از خودم بر شما واهمه ندارم مگر از سه چیز، جهل بعد از معرفت، گمراهی فتنه‌ها و شهوت چشم‌چرانی، (که ثمره‌اش شهوت) شکم‌پرستی و شهوت جنسی (است).»

پیامبر اسلام ﷺ در جاهلیت ستیزی چنان جدی بود که به جای دو روزی که اعراب در عصر جاهلی به جشن و پای کوبی می پرداختند، دو روز عید فطر و قربان را جایگزین کرد. (ابن حنبل، بی تا، ج ۳: ۱۰۳، ۲۳۵، ۲۵۰)

### دوم. مبارزه از طریق تخطئه تعصب جاهلی

از مجموع احادیث برمی آید که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام از هر فرصتی برای اصلاح افکار و اعمال جاهلی و جاهلیت زدایی استفاده می کردند. گاه پایه و اساس آن، یعنی تعصب (حمیت) جاهلی را تخطئه می نمودند و گاهی مظاهر و مصادیق آن را تبیین و از آن ها انتقاد می کردند. در مواردی نیز ایشان برخی اصحاب خود را به سبب داشتن نوعی رفتارهای جاهلی ملامت کرده اند. (بخاری، ۱۴۰۱ ق، ج ۱: ۱۳؛ النیسابوری، بی تا، ج ۱: ۹۳؛ طبری، ذیل احزاب: ۳۳) همچنین می فرمودند: خدا اسلام را مایه از بین بردن نخوت و تفاخر جاهلی به قبیله و نسب قرار داده است. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۳۴۰ و ج ۸: ۲۴۶؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۲: ۳۶۱)

### سوم. آموزه های پیامبر ﷺ دوی درد جاهلیت

در روایات دوی درد جاهلیت آموزه ها و تعالیم نبوی دانسته شده است. در روایتی حضرت علی علیه السلام به نسخه شفابخش پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ و رسالت سعادت آفرین آن حضرت می پردازند و می فرمایند:

طبیعی است که همراه با طبش در میان مردم می گردد، مرهم هایش را محکم و آماده ساخته و ابزار هایش را برای سوزاندن زخم ها داغ نموده تا هر جا لازم باشد، در زمینه دل های کور و گوشه ای کر و زبانه ای لال به کار گیرد. دارو به دست به دنبال علاج بیماری های غفلت و دردهای حیرت است. این بیماران وجود خود را از انوار حکمت روشن نموده و با آتش زنه دانشی درخشان شعله نیفروخته اند. از این بابت به مانند چهارپایان چرنده و سنگ های سخت اند. (الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۱۵۶)

## نتیجه

قرآن عظیم‌الشأن با عنوان «جاهلیت» به چهار موضوع اساسی پندار، حکم، رفتار و حمیت در جاهلیت می‌پردازد که در حقیقت دیگر فاکتورها و عوامل به قسمی به این چهار عامل بازمی‌گردند. اگر در آیاتی از قرآن کریم به زنده‌به‌گور کردن دختران اشاره می‌شود، یا به آداب‌ورسوم نادرست آن دوران می‌پردازد، یا به اعمال و رفتار ناهنجار و غیرانسانی آن زمان نظیر بی‌توجهی به والدین، کشتن فرزندان از بیم فقر، زنا، ربا، تحقیر زن، قمار، ازلام و حیوان پرستی اشاره می‌کند، به نمودهایی از رفتار و حکم و حمیت جاهلی اشاره کرده است. اگر به اعتقادات و پندارهای نادرست نظیر شرک و بت پرستی می‌پردازد، فی‌الواقع پندار یا به عبارت قرآن «ظن الجاهلیة» را یادآور شده است. در این میان روایات با تأیید فرمایشات قرآنی و در مسیر آن، مصداق‌های جدیدتر دیگری به موضوعات اصلی و اساسی مطرح شده در قرآن می‌افزاید؛ مانند کینه و دشمنی نسبت به علی علیه السلام و نشناختن امام زمان علیه السلام و پیشوای برحق که می‌تواند، مصداقی از پندار و اعتقاد ناروای جاهلی باشد، رویگردانی از اهل بیت پاک پیامبر صلی الله علیه و آله که نمودی از رفتار جاهلانه است. همچنین در روایات، برخی نابسامانی‌های اجتماعی و اعتقادی دیگر در جامعه مطرح می‌گردد و به دواى درد جاهلیت و طیب این امراض اشاره می‌شود که همان پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و تعالیم و آموزه‌های وحیانی آن حضرت است. با روشن شدن مفهوم و مصداق جهل و جاهلیت و بخصوص شناخت مصداق آن در عصر حاضر و زمان فعلی و کنونی می‌توان بهتر با آن برخورد نمود و جامعه‌ای بدون جهل و جاهلیت داشت.



## منابع و مأخذ

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، مسند/لامام/احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق) تحف العقول، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۸۶)، فرهنگ صفات، ج ۱، قم: مسجد جمکران.
- آشتیانی، میرزا احمد (۱۳۶۲)، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، ج ۳، تهران: کتابخانه صدوق.
- البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- بستانی، فوادفرام، مهیار، رضا (۱۳۷۵) فرهنگ ابجدی، ج ۲، تهران: اسلامی.

- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، ج ۴، تهران: دنیای دانش.
- جواد علی، (بی تا)، *تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام*، بیروت: دارالعربی.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۱)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، ج ۶، تهران: نشر آثار امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق: صفوان عدنان داودی، ج ۱، دمشق: دارالعلم الدارالشامیه.
- الزوزنی، (بی تا)، *شرح معانی السبع*، قم: انتشارات ارومیه.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳)، *فروع/بدیث*، ج ۲۱، قم: بوستان کتاب.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق)، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، ج ۱، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۸۹)، *جاهلیت مدرن در رویارویی با امام زمان* □، تهران: موعود عصر □.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴) *تفسیر المیزان*، ترجمه: موسوی، محمدباقر، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، ج ۳، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ ش)، *تهذیب الاحکام*، تحقیق: حسن موسوی، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعة (۱۴۱۵ ق) *تفسیر نورالتقلین*، ج ۴، قم: اسماعیلیان.

— عطائی، محمدرضا (۱۳۶۹)، مجموعه ورام آداب و اخلاق در اسلام، ج ۱، مشهد: آستان  
قدس رضوی.

— فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵ ش)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، قم:  
رضی.

— فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق) العین، ج ۲، قم: هجرت.

— قرائتی، محسن (۱۳۸۸) تفسیر نور، ج ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

— قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱) قاموس قرآن، ج ۶، تهران: دارالکتب الإسلامية.

— قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق)، تفسیر القمی، ج ۳، قم: دارالکتاب.

— کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق)، الکافی، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامية.

— مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث  
العربی.

— مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و  
ارشاد اسلامی.

— مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)، الأملی (للمفید)، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید.

— مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامية.

— النیسابوری، مسلم بن الحجاج (بی‌تا)، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.

— هبشمی، علی بن ابوبکر (۱۴۰۸ ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج ۳، بیروت: دارالکتاب  
العربی.

— گودرزی، علی، «جاهلیت در قرآن و تاریخ»، منتشر شده در: (maarefquran.org)

— درویشی، امید، «جاهلیت مدرن و راه رهایی از آن»، منتشر شده در: (مرکز تخصصی

مهویت mahdi313.org)

— موارد استعمال واژه «جاهلیت» در قرآن، (hawzah.net)

— واژه جاهلیت، دانشنامه جهان اسلام، (rch.ac.ir)

— واژه جاهلیت، ویکی فقه (wikifeqh.ir)

— واژه جاهلیت، ویکی شیعه (fa.wikishia.net)

